

بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی و سبک فرزندپروری مادران شهر ایلام

بیژن خواجه‌نوری^۱، مهری مراد خانی^{۲*}، الهام شیردل^۳، زهرالسادات بنی‌فاطمه^۴

چکیده

این مطالعه رابطه‌ی بین سبک فرزندپروری والدین و سبک زندگی مادران شهر ایلام را مورد بررسی قرار داده است. والدین برای به ثمر رسیدن فرزندان هر یک وظایفی را بر عهده دارند، که در این میان بیش‌ترین سهم در تربیت و تأثیرپذیری بر فرزندان را مادران بر عهده دارند؛ مادر از ابتدایی‌ترین مراحل پیدایش به عنوان مربی همراه انسان است. بنابراین سلامت روانی، جسمانی، اجتماعی مادران که بر گرفته از سبک زندگی آنها است برای تربیت فرزندان سالم لازم و ضروری است.

در این پژوهش ابتدا مطالعات انجام شده در این حوزه مرور گردید، سپس بر اساس نظریه‌ی مبتنی بر آراء بورديو و گیدنز شش فرضیه ارائه شد. جهت آزمون فرضیه‌ها ۴۰۰ نفر از مادران شهر ایلام به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. روش تحقیق این مطالعه پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه بوده است. نتایج حاصل از آزمون اتا نشان دهنده همبستگی بین متغیرهای ابعاد سبک زندگی و سبک فرزندپروری والدین است؛ از همه مهم‌تر همبستگی بین سبک زندگی مادران با سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌باشد. و هم‌چنین نتایج بدست آمده در سطح تحلیل رگرسیون لجستیک، آماره‌های سبک فرزندپروری نشان می‌دهد که سبک‌های زندگی به ترتیب ۷۲/۷، ۷۶/۶، ۷۹/۶، ۷۴/۱ درصد به درستی سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیر، مستبدانه و بی‌توجه را پیش بینی می‌کنند. بنابراین این پژوهش تایید کننده این موضوع است که انتخاب سبک‌های زندگی مختلف، سبک‌های فرزندپروری متفاوت را رقم می‌زند.

واژه‌های کلیدی: سبک فرزندپروری، سبک زندگی، مادران، ایلام

^۱ - دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز
^۲ - کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز
^۳ - دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز
^۴ - کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز
^{*} - نویسنده مسوول مقاله: mehri.moradkhani@gmail.com
 - این مقاله بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم مهری مراد خانی می باشد.

مقدمه

خانواده، نخستین و کهن‌ترین نهاد بشری است. این نهاد همیشه توجه متفکران، پژوهشگران، متخصصان مختلف علوم انسانی را از دیدگاه‌های متفاوت جهت شناخت بهتر و دقیق‌تر به خود جلب کرده است. والدین اولین معلمان و خانواده به عنوان اولین آموزشگاه بشری بشمار می‌روند (Bandura, 2003). والدین بر اساس نوع رابطه با فرزندان بیش‌ترین تأثیر را اولاً، بر چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی آنها داشته، ثانیاً به صورت غیر مستقیم جامعه را متأثر از نوع روابط و فرهنگ خود می‌کند. در واقع هیچ بستری از نظر قدرت و تأثیر، با خانواده برابری نمی‌کند (Burton et al, 2000). تغییرات در خانواده به مرور زمان منجر به تغییر در رفتار فرزندان گشته، و از این طریق جامعه را دگرگون خواهد کرد. به عبارتی، می‌توان گفت که سلامت خانواده سلامت جامعه را در بر خواهد داشت. بدون شک خانواده نیز خود تحت تأثیر جامعه و نهادهای مختلف اجتماعی است (Monadi, 2009 B:161)، از آنجا که خانواده‌ها دارای ارزش‌های متفاوتی بوده و در فرهنگ‌های متفاوتی به حیات خود ادامه می‌دهند، و هم‌چنین از جایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی متفاوتی در جامعه برخوردارند، لذا آنها مانند یکدیگر نبوده و در شرایط مشابه، متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند. به طور کلی، در سطح جامعه خانواده‌ها از نقطه نظر جایگاه مرد، زن و فرزند، نوع رابطه با هم، و سایر عوامل اجتماعی-اقتصادی با یکدیگر متفاوت هستند (Monadi, 2009 B:161). با تغییراتی که در سطح جهانی رخ داده و تعاملاتی که بین جوامع مختلف روی داده و به عبارتی، به دلیل فرایندهایی که آنها را جهانی شدن می‌نامند، رفتارهای خانواده‌ها در ابعاد مختلف دستخوش دگرگونی‌های جدی شده است. جهانی شدن دارای عناصر مختلفی می‌باشد که از این میان سبک زندگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. انتخاب نوعی خاص از سبک زندگی منجر به شکل دادن به حوزه‌های فردی و عمومی هر شخص می‌شود. در واقع سبک زندگی عرصه‌های مختلفی از زندگی فرد را در بر می‌گیرد. سبک‌های متفاوت، رفتارهای افراد را تغییر داده و افراد پیوسته بر اثر آن بر خودشان و محیط پیرامونی شان نظارت داشته و حتی سعی می‌کنند آن را تغییر دهند (Khajenoori, 2011:80).

امروزه سبک‌های زندگی متنوع، شکل سنتی خانواده را زیر سوال برده است. منشا این تحولات را باید در گسترش رسانه‌های جدید، توسعه آموزش، دسترسی به اطلاعات، رشد فردگرایی، و پیدایش ارزش نو جستجو کرد، که نتیجه این تحولات را می‌توان در دموکراتیک‌تر شدن روابط والدین و فرزندان مشاهده نمود (Moeidfar, 2011: 86). نتایج تحقیقات تأیید کننده اهمیت تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای فرزندان در زندگی حال و آینده‌شان می‌باشد (Tiller, 2004:886 & Gwemende, 2006 & Huver at al, 2007).

بومریند یکی از مشهورترین نظریه پرداز در زمینه سبک فرزندپروری است. وی والدین را به سه گروه مستبد^۱ مقتدر^۲ و آسان‌گیر^۳ تقسیم می‌کند. به باور وی والدین مستبد، قوانین و مقررات از پیش تعیین شده دارند، تمامی رفتار فرزندان را کنترل می‌کنند. در واقع قوانین آنها در جهت محدود کردن اراده شخصی فرزندان است. در چنین خانواده‌هایی تاکید بر نظم و انضباط بالا و حمایت عاطفی کم است. والدین مقتدر، اراده شخصی فرزندان را به رسمیت می‌شناسند. تصمیمات خانواده را به اجماع گروه خانواده می‌گذارند. در واقع در این خانواده‌ها بین نظم و انضباط و حمایت عاطفی تعادل وجود دارد. والدین آسان‌گیر، نگاه مثبتی نسبت به انگیزه‌ها، تمایلات و اقدامات فرزندان دارند. اراده شخصی فرزندان را محدود نمی‌کنند. در این خانواده‌ها تاکید بر حمایت عاطفی بالا و نظم و انضباط در درجه پایین است (Baumrind, 1966, 889-891).

در عصر حاضر ما با فرایند جهانی شدن رو به رو هستیم. به باور برخی از افراد این فرایند به دنبال یکسان سازی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و آموزشی بوده و حتی قصد تسخیر حوزه‌های فرهنگی را دارد (Tomlinson, 2002). با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره و اینترنت و گسترش سایر شبکه های ارتباطی جدید، فرهنگ مدرن در جهان گسترش پیدا کرده، که می‌توانند به فرایند یکسان سازی فرهنگی جهان یاری رسانند (Khajenoori, 2006: 6). در واقع در عصر جهانی شدن فقط اطلاعات نیستند که سریع جا به جا می‌شوند و انتشار پیدا می‌کنند، بلکه سبک‌های زندگی و فعالیت‌های خاصی نیز وجود دارند که اشاعه می‌یابند، به طوری که نوع بومی آنها تغییر پیدا می‌کند، از جمله این تغییرات فرهنگی، چگونگی سبک‌های فرزندپروری در افراد جامعه است که از یک مقطع زمانی به زمان دیگر تغییر یافته است (Pakserecht, 2006: 56) با توجه به اهمیت تربیت آینده سازان جامعه و نیز متأثر بودن این گروه از منابع متفاوت و گاهی متضاد جامعه‌پذیری، بررسی رابطه سبک زندگی والدین با سبک‌های فرزندپروری آنها ضروری به نظر می‌رسد. این بررسی، مادران شهر ایلام را مورد ملاحظه قرار داده است؛ زیرا که شهر ایلام با کشور عراق هم مرز است و با این حال شهری است که از نظر بسیاری از عناصر فرهنگی، در زمره شهرهای سنتی و ایلیاتی ایران قلمداد می‌شود. گسترش صنعت نیز چشم‌اندازی نو به سوی مردم این دیار گشوده است و مدرنیته به بافت سنتی این شهر نفوذ کرده است. از اینرو با مدرن شدن شهر ایلام، سبک‌های متفاوتی از زندگی بوجود آمده‌اند که باعث شده‌اند افراد و بخصوص زنان ایلامی احساس تمایز با زنان نسل قبلی خود و یا حتی با هم دورانی‌های خود کنند. این تمایز در سبک زندگی، نوع فعالیت‌های زنان، علایق و نگرش آنها به وضوح قابل مشاهده است. اما با وجود

¹ - Opinionated

² - Dominant

³ - Easygoing

ریشه‌های سنتی شهر ایلام این سوال به ذهن خطور می‌کند که چه سبک‌هایی از زندگی در ایلام وجود دارند که موجب تغییر در سبک فرزندپروری مادران شده است؟ بدین جهت در این پژوهش به بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری و سبک زندگی والدین شهر ایلام پرداخته می‌شود.

پیشینه‌ی تحقیقات داخلی و خارجی:

تنهایی و شکرپیکری در بررسی جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران به این نتیجه رسیده‌اند که بستر خانواده ایرانی به دلیل تجددگرایی دچار تحول و دگرگونی گردیده است و به عبارتی در حال گذر از سنت به تجدد است. نوگرایی به دلیل واسطه‌هایی چون سواد، شهرنشینی، میزان مسافرت‌های خارجی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، تحول را در خود پذیرفته و در یک تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد، به باز تولید می‌پردازد. در واقع خانواده ایرانی از ساختار کاملاً سنتی به لحاظ شکل و محتوا به ساختاری جدید تغییر کرده است، بسیاری از عناصر و اجزای سازنده آن از قبیل روابط بین والدین، رابطه والدین و فرزندان، کارکردهای خانواده، سلسله مراتب درون خانواده، ازدواج، نگاه به زندگی خانوادگی، آسیب‌های آن و جز اینها نیز دچار تغییر شده است (Tanhaei & Shekarbigi, 1999).

مهدوی و غنیمتی به بررسی مفهوم فرزند سالاری پرداخته‌اند، که آیا پدیده فرزند سالاری که در غرب با عنوان فرزند محوری یاد می‌شود در ایران وجود دارد؟ نتایج تحقیق نشان داده‌است که ساختارها و الگوهای نظام ارزشی، نظام تربیتی، نظام هنجاری و شهرنشینی تغییر پیدا کرده است، به نحوی که این تغییرات منجر به دگرگونی روابط والدین و فرزندان شده است. فرزند محوری در غرب دو پیامد داشته است، (۱) استقلال در معنای وسیع کلمه (استقلال فکری، مالی، و رفتاری) و (۲) خود این استقلال نیز افزایش مسئولیت پذیری بچه‌ها را در پی دارد. در حالی که در ایران فرزند سالاری نه تنها به استقلال فرزندان منجر نمی‌شود بلکه باعث وابستگی بیش تر فرزندان به والدین و وابستگی متقابل می‌شود. یعنی وابستگی بچه‌ها به والدین، وابستگی والدین به فرزندان را در پی دارد. مهمترین ویژگی فرزند سالاری عدم حس مسئولیت پذیری و عدم استقلال در خانواده‌های فرزند سالار است (Mahdavi & Ghanimati, 2002).

سجادی به بررسی جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن بر تعلیم و تربیت پرداخته است. نتایج این مطالعه حاکی از این واقعیت است که جهانی شدن یک جریان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که سعی دارد نوعی انسجام وحدت‌گرایانه در مقولاتی چون اقتصاد و فرهنگ و تعلیم و تربیت بوجود آورد به نحوی که جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها، شیوه‌ها، ساختارها، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی تعلیم و تربیت حرکت نماید و البته این تحولات در عرصه تعلیم و تربیت به وجود آمده است (Sajadi, 2003).

منادی به بررسی تاثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر شخصیت اجتماعی و فرهنگی جوانان به روش کیفی پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که شیوه‌های دموکراتیک و آزادی والدین در تولید فرزندان با ویژگی شخصیتی خالق یا بازیگر موثر است در حالی که شیوه مستبدانه تعدادی از والدین، فرزندان مطیع به بار می‌آورد. باید توجه داشت که خانواده‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار متفاوت هستند و نیز از جهت نوع رفتار با فرزندان، فضای حاکم بر خانواده و رابطه والدین با فرزندان که با اشکال آزادی، استبدادی، یا دموکراسی می‌انجامد متفاوتند. رابطه خانواده‌هایی با تحصیلات دانشگاهی و سبک فرهنگی مانند مطالعه و هنر و فعالیت‌های دینی و مذهبی با فرزندان بر پایه دموکراسی و آزادی است. نکته قابل توجه در این تحقیق این است که وضعیت اقتصادی تقریباً هیچ نقشی در شکل و نوع رابطه والدین با فرزندان نداشته است (Monadi, 2006).

منادی در بررسی منابع جامعه‌پذیری جوانان مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و صنایع فرهنگی بیان می‌کند که در عصر ارتباطات و اطلاعات الکترونیکی در امر جامعه‌پذیری جوانان صنایع فرهنگی غربی بر صنایع فرهنگی داخلی سبقت گرفته است. این نکته را می‌توان در استفاده از ماهواره، اینترنت، نوع مطالعه، هنر، موسیقی، ورزش و نگاه به دین و سیاست مشاهده کرد. زمانی که خانواده نتواند امر جامعه‌پذیری فرزندان را با موفقیت انجام دهد فضا برای منابع‌های دیگر جامعه‌پذیری مانند (ماهواره و اینترنت...) باز خواهد شد. به طور خلاصه امر جامعه‌پذیری عینی زمانی موفقیت آمیز است که بتوان کنش متقابل مثبتی بین منبع جامعه‌پذیری و فرد جامعه‌پذیر برقرار کند. در غیر این صورت جامعه‌پذیری ناموفق خواهد بود (Monadi, 2008).

آنولا و همکارانش^۱ در سال ۲۰۰۰ به بررسی سبک فرزندپروری اینترنتی و تاثیر آن بر کودکان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد ۵۹ درصد والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه بوده‌اند که بالاترین سطح استفاده از اینترنت در بین والدین آسان‌گیر مشاهده شده، و کمترین استفاده در سبک فرزندپروری مستبدانه مشاهده شده است (Aunola et al, 2000).

زرویدز و نولز در سال ۲۰۰۷ به بررسی تغییرات بین نسلی در سبک‌های فرزندپروری و تاثیر پذیری از فرهنگ پرداخته‌اند. جامعه نمونه آنان ۳۴ خانواده آنگولایی - استرالیایی و ۳۱ خانواده یونانی - استرالیایی بوده که سبک فرزندپروری خود و والدینشان را گزارش داده‌اند. نتایج نشان داده‌اند والدین یونانی - استرالیایی بیش‌تر از سبک مستبدانه برای تربیت فرزندان نسبت به هم‌تایان آنگولایی - استرالیایی خود استفاده کرده‌اند. هم‌چنین والدین هر دو نسل یونانی - استرالیایی و آنگولایی - استرالیایی به طور معناداری از سبک فرزندپروری مقتدرانه نسبت به والدین خودشان

استفاده کرده‌اند. مردان هر دو نسل تمایل بیش‌تری به سبک مستبدانه نسبت به زنان هر دو نسل داشته‌اند، و در مقابل زنان تمایل بیش‌تری به سبک مقتدرانه نسبت به مردان داشته‌اند. نتایج تحقیق نشان دهنده تغییرات بین نسلی، جنسیتی و فرهنگی و بویژه فردگرایی فرهنگی در سبک‌های فرزندپروری است که نشان می‌دهد در آینده سبک‌های فرزندپروری دموکراتیک‌تر می‌شود (Zervides, Knowles, 2007).

آبار و همکارانش به بررسی تاثیر شیوه‌های فرزندپروری مادران و تعهد دینی آنان بر رفتار دانش‌آموزان بوده‌است. شرکت‌کننده‌ها گزارشی از دینداری، و شیوه تربیتی مادران خود ارائه می‌دادند. نتایج پژوهش نشان دهنده همبستگی بین سبک فرزندپروری مقتدرانه مادران با دینداری آنها بوده، در واقع با بالا رفتن دینداری مادر سبک فرزندپروری مقتدرانه برای تربیت فرزندان اعمال شده است (Abar et al, 2009).

کوهار در پژوهشی خود در مورد سبک‌های مقتدرانه فرزندپروری در ارتباط بین والدین و نوجوانان به اهمیت نقش سبک فرزندپروری مقتدرانه در روابط والدین و فرزندان دست‌یافته است. در واقع اقتدار والدین بخش اجتناب‌ناپذیر و ضروری در روابط والدین و نوجوانان است که این اقتدار به صورت مشورت با فرزندان خود را نشان می‌دهد (Kuhar, 2010).

پاتریک و همکارانش سال ۲۰۱۰ به بررسی سبک‌های فرزند پروری والدین و ارزش‌های دینی در میان نوجوانان پرداخته‌اند. آنها بیان داشته‌اند که با قوی‌تر شدن دینداری بین والدین سبک فرزندپروری مقتدرانه را برای تربیت فرزندان اعمال می‌شود (Patrick et al, 2010). در این قسمت تحقیقات پیشین در مورد مسئله مورد پژوهش بررسی شده است که اهمیت پژوهش را نشان می‌دهد. پژوهش‌های خارجی و به ویژه داخلی در حوزه علوم اجتماعی نشان می‌دهد که مطالعه چندانی در این حیطه صورت نگرفته است.

چهارچوب نظری:

شیوه‌ها و روش‌هایی که والدین بر اساس آنها فرزندان خود را تربیت می‌کنند سبک‌های فرزندپروری آنان را تشکیل می‌دهد (Maddahi: 46, 2011). رابطه والدین با فرزندان یا شیوه‌های فرزندپروری، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بر دارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسائی، رشد و پیشرفت استعداد‌های فرزندان، آموزش و مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهداف است. پارسونز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می‌گیرد (Ezazi: 16, 1997). امروزه شیوه‌ای که والدین برای تربیت فرزندان خود اعمال می‌کنند متأثر از سبک زندگی آنان است. سبک‌های زندگی را می‌توان تجلی بیرونی فرهنگ دانست که رابطه افراد با دنیای بیرونی آنها را نشان می‌دهد.

افراد در زندگی روزمره خویش از سبک‌های زندگی برای شناسایی و تبیین مجموعه‌های بزرگتر هویت و وابستگی استفاده می‌کنند (Chaney:12, 1996). افراد تصویر متفاوتی از تربیت و نحوه برخورد با فرزند در ذهن دارند. این تفاوت در سلیقه‌های فرزندپروری به سبک‌های گوناگون زندگی والدین بستگی دارد. از آنجا که سبک زندگی به گسترش اختیار مصرف‌کننده در انتخاب شیوه‌ی زندگی منجر می‌شود این مفهوم ذاتاً بی‌ثبات است و قطعیت مفاهیم گذشته را ندارد (Abazari & Kazemi, 2005). سبک زندگی، بخشی از زندگی اجتماعی روزمره‌ی جامعه‌ی مدرن با همه‌ی ابهامات و تناقضات آن به شمار می‌آیند. سبک زندگی جزء جدایی ناپذیر نظام‌های اجتماعی است (Zokaei, 2002).

نظریه‌پردازانی که در مورد سبک فرزندپروری و سبک زندگی مباحث گسترده‌ای دارند بوردیو و گیدنز می‌باشند. بوردیو معتقد است انتخاب‌هایی که افراد در مورد گزینه‌های تربیت فرزند انجام می‌دهند اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فرزندپروری را یاد می‌گیرند (Jarvie & Maguire: 199-200, 1996). پویایی‌های مصرف سبک زندگی و انتخاب‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری، جایگاه فرد را در یک حوزه مشخص می‌کند و از این طریق دیدگاه او را درباره‌ی خود و دیگران شکل می‌دهد. به تعبیر بوردیو، گزینه‌های انتخابی سبک فرزندپروری والدین جملگی بازتابنده‌ی چارچوب‌های کلی سبک زندگی هستند و این چارچوب‌ها هم تراز با طبقه‌ی اجتماعی می‌باشند (Jarvie & Maguire, 1996: 199-200).

به نظر بوردیو سبک‌های زندگی و سبک‌های تربیتی محور منازعه‌ی افراد درون میدان به شمار می‌آیند. تحلیل بوردیو نشانگر این واقعیت است که افراد متفاوت پیگیر ذائقه‌ها و سبک‌های زندگی متفاوتی هستند که، انتخاب‌های مربوط به سبک‌های گوناگون و متفاوت زندگی در همین مجموعه در اولویت‌های متمایز ریشه دارد که به نوبه‌ی خود مبنای شکل‌گیری عملکردهای مناسب و معتبر در فرزندپروری والدین می‌شود. بوردیو معتقد است ذائقه‌ها و اولویت‌های فرزندپروری محصول عادت واره و سبک‌های زندگی خاصی است که افراد در طی زندگی انتخاب کرده‌اند (840-819: Bourdiue, 1978).

وی معتقد است که هر انسانی دارای یک عادت‌واره و یک سبک زندگی بوده که هر دو کنترل‌کننده و هدایت‌کننده رفتارها و اعمال انسان می‌باشد (Bourdiue, 2000). سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها، فعالیت‌ها و سبک‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است. سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخورداری از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌کند (Giddens, 1998: 121). سبک‌های زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ی هماهنگ با آنها طبقه‌بندی شده و حاصل

ادراکات خاصی هستند و تجسم یافته‌ی ترجیحات افراد به استفاده از عناصر سبک‌های زندگی است که بصورت عملی درآمده و همچنین انتخاب روش‌ها، الگوها، روابط اجتماعی، طرز برخورد با فرزندان و سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر عناصر سبک‌های زندگی متفاوت است. سبک‌های زندگی از مجموعه سبک‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، بدنی، ترجیحات غذایی، موسیقایی، رسانه‌ای و... ساخته می‌شوند (marhamati, 2010:56).

والدین بر حسب عادت‌واره‌های شخصی خود و مجموعه جهت‌گیری‌های موسیقایی و سبک‌هایی نظیر فرهنگی، بدنی، مذهبی و شبکه مجازی که در سبک زندگی‌شان نمایان است، فضاهایی را به صورت مشترک و مورد توافق می‌سازند این فضاهای متفاوت در قالب سبک‌های فرزندپروری متبلور می‌شوند (Monadi:B: 165, 2009). اهداف والدین که شامل تمام فعالیت‌ها و اعمالی می‌شود که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم ارتباط آنها را با فرزندان در رفتارهای روزمره نشان می‌دهد، تحت عنوان فرزندپروری یا رابطه آموزشی مطرح می‌باشد. این فعالیت‌ها بر طبق نظریه کنش بوردیو توسط نیروهائی هدایت و یا کنترل می‌شوند، که این نیروها به صورت یکسان و به یک اندازه نزد انسان‌ها از جمله والدین وجود ندارد. این نیروها در ارتباط با وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌باشد. هم‌چنین تصوراتی که والدین از فرزندان خود دارند و سبک زندگی آنها بر چگونگی نوع روابط آنها با فرزندانشان یعنی شیوه‌های فرزندپروری تاثیر دارد (2006: 141). والدین اگر بتوانند در سبک زندگی خود از سبک‌های مذهبی، بدنی- ورزشی، اینترنتی و فرهنگی- هنری استفاده کنند که در بالا رفتن سطح سرمایه‌های آنها مفید است، و به دنبال تغییر مناسب سبک زندگی آنها، گفتگو در خانواده برقرار شده و در پی گفتگو، محیط‌های سالم‌تر و آرام بخش‌تر عبارتی، سبک فرزندپروری مقتدرانه همراه با محبت و کنترل کافی به وجود می‌آید (162 Monadi, 2007). والدین بنابراین، یکی از عوامل مهمی که نه تنها بر سبک فرزندپروری خانواده تأثیر قاطعی داشته، بلکه در بستر آن جریان گفتگو و تفاهم در خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد، سبک زندگی است. سبک زندگی پدیده‌ای دارای جنبه‌های متعدد و پویا است که ابعاد مختلف آن شامل استفاده از سبک‌های ورزشی، فرهنگی، موسیقایی، مذهبی و اینترنتی بر خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی و نحوه ارتباط والدین با فرزندان تاثیرگذار بوده است و سبک‌های فرزندپروری را در چهار بعد مقتدرانه، مستبدانه، بی‌توجه و آسان‌گیر متفاوت ساخته است. فضای حاکم بر محیط خانواده، اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی و هنری ترسیم‌کننده اصلی عادت‌واره و سبک زندگی انسان می‌شود. خانواده‌های که عادت‌واره و سبک زندگی مشابه دارند، شیوه‌ی فرزندپروری یکسانی نیز اعمال می‌کنند (Bourdieu, 2001).

گیدنز معتقد است یکی از مولفه‌های جهانی شدن سبک زندگی است. سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از

امکان‌های موجود است (Giddens:119, 1998). با جهانی شدن در سبک‌های زندگی سنتی که در آنها نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده برای اعضای خانواده تعیین می‌گشت دگرگونی بوجود آمد و نقش جنبه عاطفی در تصمیم‌گیری برای بچه دار شدن به نحوی که گیدنز آن را عنصر ارزشمندی فرزند می‌نامد مورد توجه قرار گرفت. تمایل به دموکراسی در جوامع بشری از حوزه سیاسی به حوزه‌های زندگی انسانی و روابط اجتماعی و سبک زندگی انسان‌ها نیز تسری پیدا کرده است. این آزادی در سبک‌های زندگی والدین مخصوصاً مادران، روابط و الگوهای خانوادگی و سبک‌های فرزندپروری والدین را نیز تحت تاثیر قرار داده است، و باعث بروز پدیده‌ای به نام انواع سبک‌های فرزندپروری از جمله مقتدرانه و آسان‌گیر در روابط خانوادگی شده است (Giddens, 2003). استفاده از رسانه‌ها که بخشی از سبک زندگی افراد است ظاهراً هدف اطلاع رسانی و سرگرمی دارند، ولی در واقع امر هدف آنها نه فقط جذب مخاطبان بیشتر، بلکه درونی کردن فرهنگ خود در آنها هستند. به عبارتی، تبلیغ فرهنگ از اهم فعالیت‌های رسانه‌ها از جمله اینترنت و تلفن همراه می‌باشد (Monadi, B: 139 2009). رسانه‌هایی نظیر اینترنت و تلفن همراه نه فقط منبع اصلی اطلاعات بوده‌اند، بلکه نقش خطیری در شکل دادن به پندارهای افراد درباره جهان پیرامون و نحوه برخورد و رفتار با فرزندان‌شان داشته‌اند (Bennet:119, 2007). امروزه، هر چه نفوذ سنت کمتر می‌شود و زندگی روزمره بیش‌تر برحسب تاثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیش‌تر سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. سبک‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می‌آیند که در نوع پوشش، موسیقی، طرز کار با رسانه‌ها و محیط‌های ورزشی، فرهنگی و مذهبی تجسم می‌یابند (Giddens:12, 1999). گیدنز معتقد است که ویژگی خاص مدرنیته، پویایی، تأثیر جهان‌گستر و تغییر دادن رسوم سنتی و ایجاد سبک‌های زندگی متنوع و متعدد است که این تغییرات خود را در قالب شیوه‌های فرزندپروری متفاوت نشان می‌دهند (Giddens:119, 1998). به عقیده گیدنز و بوردیو سبک زندگی متفاوت والدین، سبک‌های فرزندپروری متفاوت را به وجود می‌آورد. سبک زندگی و فضای حاکم بر محیط خانواده، اعم از سبک‌های فرهنگی، ورزشی، فرهنگی - هنری، مذهبی و مجازی ترسیم‌کننده اصلی شیوه‌ی فرزندپروری والدین هستند. با توجه به نظریه بوردیو و گیدنز و نتایج تحقیقات پیشین به نظر می‌رسد که:

فرضیات تحقیق:

- بین سبک‌های مذهبی و سبک فرزندپروری والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین سبک‌های مجازی (۱ و ۲) و سبک فرزندپروری والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین سبک‌های مدرن موسیقی و سبک فرزندپروری والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین سبک‌های فرهنگی و سبک فرزندپروری والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- بین سبک‌های ورزشی و سبک فرزندپروری والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، درآمد، تحصیلات، تعداد فرزندان) و سبک فرزندپروری والدین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق:

این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد و خود اظهاری بوده است. جامعه‌ی آماری تحقیق مادران شهر ایلام بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول لین^۱ محاسبه شد (Lin, 1978:446-447). نمونه‌ی گزینشی با ضریب پایایی ± 4 ، فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد، برابر با ۳۸۴ نفر از زنان متأهل دارای فرزند ۶ سال به بالا بودند که برای برگشتن این تعداد از پرسشنامه تعداد آنها به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد. شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود است. در این روش ابتدا تمامی مناطق شهر ایلام انتخاب و سپس در درون مناطق با توجه به حجم جمعیت بطور کلی ۱۸ حوزه انتخاب شدند. سپس در هر حوزه، با توجه به نسبت خانواده‌ها، بلوک‌های کوچک‌تر به عنوان یک خوشه بطور تصادفی انتخاب شدند. مناطق به نحوی انتخاب شدند که معرف تنوع فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های ایلامی باشد. برای تعیین اعتبار سؤالات پرسشنامه از اعتبار صوری برای تعیین پایایی آنها از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول شماره (۱) نشانگر نتایج حاصل از این آزمون آلفای کرونباخ است که نشان می‌دهد طیف‌های مورد استفاده از پایایی خوبی برخوردارند، به طوری که ضرایب آلفای کرونباخ حاصل از آزمون‌های شاخص‌های کلی متغیرها از حداقل ۰/۷۴ مربوط به بعد کنترل-آزادی تا ۰/۸۸ مربوط به بعد محبت و طرد از سبک‌های فرزندپروری در نوسان می‌باشند، که این ضرایب نیز نشان‌دهنده پایایی بالا در ابعاد متغیرها می‌باشد.

جدول شماره: ۱: ضرایب آلفای کرونباخ حاصل از پایایی طیف‌های متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مجموعه فرزندپروری	۷۷	۰/۸۴
بعد کنترل - آزادی	۴۲	۰/۷۴
بعد محبت - طرد	۳۵	۰/۸۸
سبک زندگی	۴۳	۰/۸۸

^۱ - Lin.

تعریف مفاهیم:

سبک فرزندپروری: شیوه‌ها و روش‌هایی است که والدین بر اساس آنها فرزندان خود را تربیت می‌کنند و در شکل‌گیری شخصیت فرزند نقش بسزایی دارند (Maddahi:46, 2011). شیفز در سال (۱۹۶۵) با توجه به دو بعد رفتار والدین یعنی آزادی - کنترل^۱ (سهل‌گیر - سخت‌گیر) و گرمی - سردی (پذیرش - طرد) یک طبقه بندی انجام داد و به این ترتیب والدین را به چهار دسته کلی تقسیم کرده است: ۱- والدین گرم و آزادگذارنده، ۲- والدین گرم و کنترل کننده، ۳- والدین سرد و آزاد گذارنده ۴- والدین سرد و کنترل کننده. بومریند در سال (۱۹۷۲) والدین را به سه گروه مستبدانه، مقتدرانه و آسان‌گرانه تقسیم کرده است. مارتین و مک‌کویی در سال (۱۹۸۲) نظریه بومریند را توسعه دادند. از نظر آنها والدین را می‌توان به چهار گروه مقتدرانه^۲، مستبدانه^۳، آسان-گیرانه^۴ و غفلت‌گیرانه^۵ تقسیم کرد.

۱- گروه اول: والدین مقتدرانه، والدینی هستند که با فرزندان خود با اقتدار رفتار کرده، و در قواعد رفتاری خود انعطاف‌پذیراند. به فرزندان خود فرصت می‌دهند تا در صورت لزوم اعتراض کنند و تربیت خاص را با دلیل به آنها تفهیم می‌کنند. یعنی دو بعد کنترل و محبت در این سبک یک اندازه وجود دارد.

۲- گروه دوم: والدین مستبدانه، والدینی هستند که فرزندان خود را مجبور به اطاعت کورکورانه می‌کنند. این گروه، فرزندان خود را محدود کرده، اختیار و آزادی کمتری به آنها می‌دهند و معتقدند که رفتار کودکان بایستی زیر نظر آنان باشد. در نتیجه ضوابط رفتاری آنها انعطاف‌ناپذیر بوده و یک جانبه است، و گاهی اوقات برای اجرای همان ضوابط رفتاری، کودکان را تنبیه می‌کنند. در این سبک از دو بعد کنترل و محبت فقط بعد کنترل اعمال می‌شود.

۳- گروه سوم: والدین آسان‌گیرانه، والدینی هستند که نسبت به رفتار فرزندان تحمل‌پذیرند و در برابر اعمال خلاف چشم‌پوشی می‌کنند. این والدین، معیارهای مشخصی را جهت رفتار کودکان در نظر می‌گیرند، و سایر رفتار آنان را با دید اغماض می‌نگرند، جز رفتارهایی که باعث صدمه و آسیب بدنی به آنها می‌شود (Saif:187, 1989). در این سبک از دو بعد محبت و کنترل بیش‌تر بعد محبت اعمال می‌شود.

۴- گروه چهارم: والدین بی‌توجه، این والدین کنترل و نظارتی بر فعالیت‌های فرزندان ندارند، گرمی و صمیمیت در این خانواده‌ها بسیار کم است، والدین معمولاً از فرزندان خود فاصله می‌گیرند

1- Contorl - Freedom

2- Authoritative

3- Authoritarian

4- Permissive

5- Neglected.

و به نیازها و تقاضاهای آنان توجه اندکی دارند. در این سبک هر دو بعد محبت و کنترل بسیار کم اعمال می‌شود. سبک‌های فرزندپروری شامل ۷۷ گویه می‌باشد و پایایی آن برابر با ۰/۸۴ می‌باشد و به ۲ بعد تقسیم شده است: الف) کنترل - آزادی، ب) محبت - طرد

سبک زندگی: مفهوم سبک زندگی تعاریف متنوع و گاه متفاوتی را در بر می‌گیرد. در بعضی از تحقیقات سبک زندگی به عنوان الگوهای فعالیت اوقات فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی و مادی در نظر گرفته شده است برخی سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌داند که در بردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست و برخی نیز عناصر و مولفه‌های سبک زندگی را در سه گروه سبک (مانند سرگرمی و کار)، علاقمندی‌ها (خانواده و مدرسه) و عقاید (موضوعات سیاسی و اجتماعی) تقسیم بندی کرده‌اند (Fazeli:28 , 2003).

با مروری بر نظریه‌های سبک زندگی، فاضلی معتقد است در سنجش سبک‌های زندگی توسط پژوهشگران مختلف، شاخص‌های متنوعی به کار رفته است. وی این شاخص‌ها را به شرح زیر طبقه بندی کرده است: ۱) سبک‌های فرهنگی، ۲) سبک‌های فراغتی، ۳) شاخص‌های پراکنده که شامل الگوهای خرید، نام‌گذاری کودکان، رفتار خانوادگی، و الگوی مصرف غذا می‌شود (Fazeli:28-127, 2003). در واقع سبک فرزندپروری هم شاخصی از سبک زندگی و هم متأثر از سبک زندگی والدین است و نحوه برخورد با فرزندان و شیوه‌های فرزندپروری نشان‌دهنده‌ی سبک‌های زندگی والدین هستند. تفکیک سبک فرزندپروری از سبک زندگی در این پژوهش بر اساس نظریه بورديو و گیدنز و هم‌چنین در جهت مقاصد تحلیلی و آزمون تجربی رابطه بین آنها انجام گرفته است.

برای بررسی اعتبار سازه طیف سبک زندگی از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد (جدول شماره ۱). بر پایه نتایج این تکنیک، شش عامل به‌دست آمد که به ترتیب سبک‌های مذهبی، سبک‌های مدرن موسیقی، سبک‌های شبکه مجازی ۱ و ۲، سبک‌های فرهنگی و در نهایت سبک‌های ورزشی نام‌گذاری شدند. بر اساس نتیجه جدول شماره ۲ و با توجه به آماره K.M.O در تمام ابعاد، می‌توان نتیجه گرفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بار تلت نیز معنی‌دار است. واقع، میزان خطا Sig ۰/۰۰۰ دارای سطح معناداری بالا و سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد است. به عبارت دیگر، کلیه عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر مورد نظر داشته‌اند.

۱. سبک‌های مذهبی: منظور انجام امور مذهبی و رفتن به مراکز مذهبی است.
۲. سبک‌های شبکه مجازی ۱: منظور استفاده از اینترنت برای گرفتن اخبار و اطلاعات، چت و وبگردی است.
۳. سبک‌های مدرن موسیقی: منظور استفاده از سی دی و دی وی دی، گوش دادن به آهنگ‌های پاپ، جاز، راک است.

۴. سبک‌های شبکه مجازی ۲: منظور استفاده از تلفن همراه برای تماس، بلوتوس و ارسال پیامک است.

۵. سبک‌های فرهنگی: منظور انجام فعالیت هنری (نقاشی، موسیقی،...)، حضور در سینماها و انجمن‌های فرهنگی است.

۶. سبک‌های ورزشی: منظور انجام ورزش پیاده روی، شنا، شرکت در انجمن‌های ورزشی، رفتن به پارک‌ها و باشگاه برای ورزش کردن است.

جدول شماره‌ی ۲: نتایج تحلیل عاملی

نتیجه‌ی کلی آزمون KMO	ابعاد سبک زندگی	عامل های سبک زندگی					اجزای سبک زندگی
		عامل ۶	عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	
K.M.O=85/0 Sig= 000	سبک‌های مذهبی					۰/۷۸۸	شرکت در جلسات مذهبی
						۰/۷۷۷	همکاری با هیئت‌های دینی
						۰/۷۰۳	حضور در نیروی بسیج
						۰/۶۶۰	تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون
						۰/۶۲۰	شرکت در نمازهای جماعت
						۰/۵۹۹	حضور در مساجد، کلیسا یا کنیسه،
						۰/۵۰۵	انجام فعالیت‌های مذهبی در خانه
						۰/۸۰۹	چت کردن با اینترنت
						۰/۷۹۳	وبگردی
						۰/۷۲۶	استفاده از فیس بوک ، تویتر
	سبک‌های شبکه مجازی ۱				۰/۶۲۰	استفاده از پست الکترونیکی	

	استفاده از اینترنت جهت بدست آوردن خبر و اطلاعات مورد نیاز	۰/۴۹۹
سبک‌های مدرن موسیقی	گوش دادن به موسیقی جاز، رپ، راک	۰/۸۱۳
	گوش دادن به موسیقی خارجی کلاسیک	۰/۷۲۰
	استفاده از CD, DVD MP3 موسیقی، Mp4, player	۰/۵۵۹
	گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانی لوسانجلسی	۰/۵۴۱
	مکالمه با دیگران (از طریق موبایل)	۰/۷۳۶
سبک‌های شبکه مجازی ۲	ارسال پیامک (SMS)	۰/۶۶۶
	استفاده از بلوتوس	۰/۶۱۸
	انجام فعالیت هنری مانند نقاشی و...	۰/۷۳۹
سبک‌های فرهنگی	حضور در سینماها، تئاتر، ...	۰/۵۸۷

	همکاری با انجمن‌های علمی، ادبی یا هنری	۰/۴۹۲
	کلاس نقاشی، خطاطی، موسیقی	۰/۴۹۱
سبک‌های ورزشی	کار با دستگاه‌های مختلف ورزشی در باشگاه یا پارک‌ها	۰/۶۹۷
	ورزش والیبال، بسکتبال، کوهنوردی، شنا کردن ...	۰/۶۹۰
	شرکت در انجمن‌های ورزشی	۰/۴۹۱

یافته‌های تحقیق

نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین سنی مادران مورد مطالعه ۳۶/۵۲ سال بود، و بیش‌تر آنها در گروه‌های سنی ۳۴-۴۹ سال هستند. ۴۸ درصد پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی داشتند و ۳/۵ درصد از آنها بی‌سواد بودند. ۶۶/۵ درصد خود را خانه‌دار و ۳۳/۵ درصد شاغل معرفی کردند. اکثریت این خانواده‌ها دارای ۳ فرزند بوده و هم‌چنین طبقه متوسط بیش‌ترین درصد پاسخگویان را شامل می‌شدند. از چهار سبک فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیر، مستبدانه و بی‌توجه در بین مادران یافته‌ها نشان می‌دهد ۳۰ درصد مادران سبک فرزندپروری مقتدرانه را برای تربیت فرزندان خود اعمال می‌کنند.

جدول شماره (۳) رابطه سبک‌های فرزندپروری و سبک زندگی مادران را با کمک آزمون اتا نشان می‌دهد. براساس این آزمون فرضیه‌ی وجود رابطه سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیر، مستبدانه و بی‌توجه با ابعاد مختلف سبک زندگی مذهبی، مجازی، موسیقی مدرن، فرهنگی و ورزشی مورد تایید قرار می‌گیرد. بعنوان نمونه، سبک‌های زندگی مذهبی، مجازی ۱ و ۲، موسیقی مدرن، فرهنگی و ورزشی ترتیب با ضرایب (۰/۳۶۳)، (۰/۲۷۳)، (۰/۳۱۷)، (۰/۳۵۲)، (۰/۲۴۰) و

(۰/۲۰۸) بیانگر رابطه قوی خود با سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌باشند. هم‌چنین سبک‌های زندگی مذهبی، مجازی ۱ و ۲، موسیقی مدرن، فرهنگی و ورزشی ترتیب با ضرایب (۰/۳۴۸)، (۰/۳۰۸)، (۰/۲۹۳)، (۰/۲۴۹)، (۰/۲۱۰) و (۰/۲۳۱) رابطه قوی خود را با سبک فرزندپروری آسان-گیر را نشان می‌دهند. سبک‌های زندگی مذهبی، مجازی ۱ و ۲، موسیقی مدرن، فرهنگی و ورزشی ترتیب با ضرایب (۰/۲۸۴)، (۰/۲۵۸)، (۰/۲۴۴)، (۰/۲۶۳)، (۰/۱۸۷) و (۰/۱۸۵) بیانگر رابطه متوسط خود با سبک فرزندپروری مستبدانه می‌باشند. و همین‌طور سبک‌های زندگی مذهبی، مجازی ۱ و ۲، موسیقی مدرن، فرهنگی و ورزشی ترتیب با ضرایب (۰/۳۲۰)، (۰/۲۳۲)، (۰/۲۰۱)، (۰/۳۴۲)، (۰/۲۷۶) و (۰/۱۸۱) بیانگر رابطه نسبتاً متوسط خود با سبک فرزندپروری بی‌توجه می‌باشند.

جدول شماره ۳: تحلیل همبستگی (انا) متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته سبک‌های

فرزندپروری

سبک زندگی		سبک فرزندپروری			
سبک‌های مذهبی	سبک‌های شبکه مجازی ۱	سبک‌های مدرن موسیقی	سبک‌های شبکه مجازی ۲	سبک‌های فرهنگی	سبک‌های ورزشی
۰/۳۶۳	۰/۲۷۳	۰/۳۵۲	۰/۳۱۷	۰/۲۴۰	۰/۲۰۸
۰/۳۴۸	۰/۳۰۸	۰/۲۴۹	۰/۲۹۳	۰/۲۱۰	۰/۲۳۱
۰/۲۸۴	۰/۲۵۸	۰/۲۶۳	۰/۲۴۴	۰/۱۷۸	۰/۱۸۵
۰/۲۰۱	۰/۲۳۲	۰/۳۴۳	۰/۲۴۳	۰/۱۷۶	۰/۱۸۱
بی‌توجه	مستبدانه	آسان‌گیر	مقتدرانه		

جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که کدام متغیرها بعد از اجرای رگرسیون لجستیک، در مدل باقی مانده‌اند. این متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (سبک‌های فرزندپروری والدین) هستند و توانایی پیش‌بینی آنها در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. از بین مجموع متغیرهای مستقلی که تأثیر آماری معنی‌داری (کوچکتر از ۰/۰۱) بر متغیر وابسته سبک-های فرزندپروری والدین دارند، رابطه‌ی معنی‌دار بین سبک‌های مذهبی، سبک‌های مدرن موسیقی، سبک ورزشی و سن مادران با سبک فرزندپروری مقتدرانه است. هم‌چنین نشان دهنده رابطه‌ی بین درآمد، سبک‌های شبکه مجازی و سبک‌های مدرن موسیقی با سبک فرزندپروری آسان‌گیر است. سبک فرزندپروری مستبدانه با تحصیلات پاسخگو و سبک‌های مدرن موسیقی رابطه دارد و هم‌چنین متغیرهایی تعداد فرزندان و سبک‌های مذهبی و سبک‌های مدرن موسیقی با سبک فرزندپروری بی‌توجه رابطه دارند.

جدول شماره ۴: تحلیل رگرسیون لجستیک متغیرهای مستقل با سبک‌های فرزندپروری والدین

سبک‌های فرزندپروری	متغیر مستقل	ضریب B	S.E	Wald	d.f	Sig	نسبت بخت‌ها Exp(B)
مقتدرانه	سن	-۰.۴۳	۰.۱۷	۶/۴۹۶	۱	۰/۱۱	۰/۹۵۸
	سبک‌های مذهبی	۰/۶۹	۰/۱۸	۱۵/۱۶۲	۱	۰/۰۰	۱/۰۷۱
	سبک‌های مدرن موسیقی	۰/۲۱۸	۰/۴۲	۲۷/۳۸۹	۱	۰/۰۰	۱/۲۴۴
آسان‌گیر	سبک‌های ورزشی	۰/۱۰۴	۰/۴۳	۵/۸۵۸	۱	۰/۱۶	۰/۹۰۱
	درآمد	۰/۱۵۹	۰/۶۱	۶/۷۱۳	۱	۰/۱۰	۱/۱۷۲
	سبک‌های شبکه مجازی	۰/۰۵۳	۰/۲۷	۳/۸۵۹	۱	۰/۴۹	۱/۰۵۴
مستبدانه	سبک‌های مدرن موسیقی	-۰/۱۴۲	۰/۴۲	۱۱/۲۱۵	۱	۰/۰۱	۰/۸۶۸
	تحصیلات	-۰/۱۴۵	۰/۶۸	۴/۶۰۵	۱	۰/۳۲	۰/۸۶۵
	سبک‌های مدرن موسیقی	۰/۱۲۲	۰/۴۱	۸/۷۳۶	۱	۰/۰۳	۱/۱۳۰
بی توجه	تعداد فرزندان	۰/۱۹۹	۰/۸۲	۵/۸۴۶	۱	۰/۱۶	۱/۲۲
	سبک‌های مذهبی	-۰/۰۴۶	۰/۱۶	۸/۱۹۸	۱	۰/۰۴	۰/۹۵۵
	سبک‌های مدرن موسیقی	-۰/۲۰۸	۰/۴۲	۲۴/۱۵۳	۱	۰/۰۰	۰/۸۱۲

جدول شماره (۵) آماره‌های اختصاری مدل پیش بینی سبک‌های فرزندپروری را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول، برازش مدل برای هر یک از سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، آسان‌گیر، مستبدانه و بی توجه) قابل قبول و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارتی متغیرهای مستقل قادر به پیش بینی نسبت بالایی از تغییرات متغیر وابسته (سبک‌های فرزندپروری) می‌باشند. اما مقادیر هر دو آماره مربوط به ضریب تعیین (کاکس و نل و نیجل کرک) پایین (کمتر از ۰/۱ برای هر سبک فرزندپروری) بوده و نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل از قدرت تبیین بالایی در خصوص واریانس و تغییرات متغیر وابسته سبک‌های فرزندپروری برخوردار نیستند. آماره صحت پیش بینی و طبقه‌بندی مدل نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مدل تحلیلی چند متغیره، به ترتیب ۷۲/۷، ۷۶/۶، ۷۹/۶، ۷۴/۱ درصد موارد مربوط به وضعیت متغیر وابسته‌ی سبک فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیر، مستبدانه و بی توجه را به درستی طبقه بندی و پیش بینی می‌کنند.

جدول شماره ۵: آماره‌های اختصاری مدل پیش بینی سبک فرزندپروری

سبک‌های فرزندپروری	آماره X^2	درجه آزادی	معناداری Sig	آماره صحت	JR^2 Nagelkerke	R^2 Cox&Snell	χ^2 -Log Likelihood
مقتدرانه	۵۲/۲۶۰	۴	/۰۰۰	۷۲/۷	/۱۸	/۱۳	۳۹۰/۷۲۶
آسان‌گیر	۲۵/۲۵۵	۳	/۰۰۰	۷۶/۶	/۱۰	/۰۶	۳۷۶/۷۳۱
مستبدانه	۱۳/۸۹۹	۲	/۰۰۱	۷۹/۶	/۰۶	/۰۴	۳۵۷/۷۸۹
بی‌توجه	۴۳/۵۰۹	۳	/۰۰۰	۷۴/۱	/۱۶	/۱۱	۳۸۲/۴۲۲

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق به بررسی رابطه‌ی سبک‌های متفاوت زندگی با سبک‌های فرزندپروری والدین شهر ایلام پرداخته شد. برای تبیین این رابطه از نظریه‌ی مبتنی بر آراء بوردیو و گیدنز استفاده گشت. بر اساس چارچوب نظری تحقیق شش فرضیه طراحی و جهت آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایشی استفاده شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته و پرسشنامه استاندارد سبک‌های فرزندپروری والدین استفاده شده است.

این مطالعه نشان داد که سبک زندگی تاثیر بسزایی بر انتخاب سبک‌های فرزندپروری والدین دارد. سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است. امروزه، مفهوم شیوه زندگی معنای خاصی به خود گرفته است. هر چه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود، و هر چه سبک‌های زندگی روزمره بیش‌تر بر حسب تاثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌گردد، افراد بیش‌تر ناچار می‌شوند سبک‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند (Giddens: 119, 1999). بوردیو معتقد است افراد بر اساس سرمایه‌های (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) خود دست به انتخاب سبک زندگی می‌زنند که این سبک‌های زندگی متفاوت خود را در قالب سبک‌های فرزندپروری متفاوت نشان می‌دهند. خانواده‌هایی که تحصیلات بیش‌تری دارند امنیت فکری و روحی در آن خانواده‌ها بالاتر است و روابط حاکم بر این خانواده‌ها دموکراتیک‌تر است. این والدین به گفت‌وگو با فرزندان می‌نشینند، و اکثر این والدین روشی بر پایه دموکراسی و یا آزادی با فرزندان خود دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که والدین بر اساس سبک زندگی خود شیوه‌های متفاوتی برای تربیت فرزندان خود اعمال می‌کنند. در واقع در نگرش، علائق و سبک‌های زندگی زنان و مادران شهر ایلام تغییراتی بوجود آمده است، بطوری‌که نتایج پژوهش تایید کننده این موضوع است که سبک فرزندپروری مستبدانه و بی‌توجه که با نادیده گرفتن فرزندان همراه است بسیار کاهش

یافته و در مقابل سبک فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیر افزایش یافته است. این امر نشان‌دهنده تغییر سبک‌های زندگی مادران شهر ایلام و به تبع آن تغییر سبک‌های فرزندپروری آنها است. نتایج آزمون‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزندپروری و سبک زندگی مذهبی (تایید فرضیه اول) رابطه معناداری وجود دارد. در بین چهار سبک فرزندپروری، بین سبک‌های مذهبی و سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و بی‌توجه رابطه وجود دارد. رابطه سبک مذهبی و سبک فرزندپروری مقتدرانه مثبت و مستقیم است و این رابطه با سبک بی‌توجه منفی و غیرمستقیم است. سبک‌های مذهبی افراد میتواند با انتخاب شیوه و سبک فرزندپروری آنان ارتباط داشته باشد. همان‌گونه که بورديو معتقد است با برآورده شدن ضرورت‌ها و نیازهای فرد، او فرصت می‌یابد به فعالیت‌ها و دارایی‌هایش سبک بخشد و از انتخاب‌های زیبا شناختی خود لذت ببرد. بنابراین جامعه ایران که یک جامعه اسلامی است سبک دهی به زندگی افراد در موقعیت اجتماعی و شغلی تحت تاثیر باورهای دینی قرار دارند. در واقع فعالیت‌های مذهبی مادران در سبک زندگی آنان با باورهایشان و شیوه‌های تربیتی آنها ارتباط دارد (Tanhaei & Hkorami:29,2010). تحقیق پاتریک (۲۰۱۰)، ابار (۲۰۰۹) و نتایج این تحقیق نیز این واقعیت را تبیین می‌کند، هر چه فعالیت‌های دینی مادران بیش‌تر باشد برای تربیت فرزندان خود شیوه مقتدرانه را اعمال می‌کنند در این سبک آنها برای تربیت فرزندان خود هر دو بعد محبت- کنترل ابعاد فرزندپروری را رعایت می‌کنند. و در مقابل هر چه این فعالیت‌های دینی کمتر باشد نقطه مقابل این سبک که سبک فرزندپروری بی‌توجه است اعمال می‌شود.

فرضیه دوم وجود رابطه بین سبک‌های شبکه مجازی و سبک فرزندپروری آسان‌گیر تایید می‌کند (تایید فرضیه دوم و چهارم). رابطه سبک‌های اینترنتی و سبک فرزندپروری آسان‌گیر مثبت و مستقیم است. گیدنز معتقد است ما در یک دنیای مدرن و پر از اطلاعات به سر می‌بریم؛ گیدنز از رسانه‌ها به عنوان ابزار زمینه‌ساز نگرش‌های اجتماعی نام می‌برد و اعتقاد دارد که سبک‌های اینترنتی در چارچوب‌های تجربی زندگی، نگرش و سبک فرزندپروری والدین در جوامع امروز را سازمان می‌دهند. سبک‌های اینترنتی در گسترش شکل‌های غیر مستقیم ارتباط در عصر حاضر مهم هستند. آنان شیوه‌هایی را که افراد زندگی اجتماعی را تفسیر کرده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و تجربه ما از زندگی اجتماعی را قالب‌بندی و برنامه‌ریزی می‌کنند. رسانه‌های تصویری مانند اینترنت در دراز مدت با فرایند فرهنگ‌سازی، ادراک مردم را تحت نفوذ خود در می‌آورند. بی‌تردید امروزه رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در اثرگذاری بر افکار، ادراکات، نگرش‌ها و نیز رفتارهای افراد جوامع از جمله سبک‌های فرزندپروری دارند. در این میان مادران بدلیل اینکه بیش‌تر از مردان در خانه بسر می‌برند، بیش‌تر فعالیت‌های اینترنتی و پیام‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای می‌توانند در شکل دهی به الگوهای رفتاری مطلوب و یا نا مطلوب در نزد مادران نقش بسزایی داشته

باشند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌ها توانسته‌اند افکار مادران را تحت تاثیر قرار دهند، همراه با افزایش سبک‌های مجازی در بین مادران سبک فرزندپروری آسانگیر اعمال می‌شود. نتایج آنولا (۲۰۰۰) همین واقعیت را تایید می‌کند.

نتایج هم‌چنین گویای آن است که بین چهار سبک فرزندپروری و سبک‌های مدرن موسیقی رابطه وجود دارد (تایید فرضیه سوم). رابطه سبک‌های مدرن موسیقی و سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه مثبت و مستقیم است و این رابطه با سبک آسانگیر و بی‌توجه منفی و معکوس است. سبک‌های مدرن موسیقی عنصری اساسی از سبک زندگی به شمار می‌رود تا حد زیادی می‌تواند تعیین کننده جهت‌گیری کلی زندگی و فرزندپروری شود. گرایش به یک رفتار خاص، نظیر شنیدن موسیقی در شناخت فرهنگ عمومی یک جامعه و هم‌چنین خرده فرهنگ‌های موجود در آن کمک شایانی می‌کند. امروزه سبک‌های مدرن موسیقی یکی از همه‌گیرترین سبک‌های فرهنگ عامه است که به بارزترین شکل ممکن در زندگی مردم حضور دارد (Mirzaii:146, 2011). نتایج پژوهش نشان می‌دهد با بالا رفتن سبک‌های مدرن موسیقی در بین مادران استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه بیش‌تر می‌شود، وجه مشترک این دو سبک فرزندپروری بعد کنترل بالا این دو سبک است، در واقع مادرانی که به موسیقی مدرن گوش می‌دهند بر فرزندان خود کنترل بیش‌تری دارند. مادران با شنیدن متن این ترانه‌ها متوجه می‌شوند این ترانه‌ها حرف‌های روزانه‌ای هستند که به وزن و قافیه درآمده‌اند تا خواننده بتواند آنها را اجرا کند. آشنایی با این دنیای مدرن باعث می‌شود که کنترل بیش‌تری بر فرزندان خود اعمال کنند. در مقابل مادرانی که از موسیقی مدرن کمتر استفاده می‌کنند سبک فرزندپروری آسانگیر و بی‌توجه را برای فرزندان خود اعمال می‌کنند. وجه مشترک این دو بعد کنترل پایین است، در واقع مادرانی که موسیقی مدرن گوش نمی‌دهند کنترل کمتری بر فرزندان خود دارند.

بر اساس آزمون اتا بین سبک‌های فرهنگی و سبک‌های فرزندپروری رابطه وجود دارد (تایید فرضیه پنجم). این رابطه بین سبک‌های فرهنگی با سبک فرزندپروری مقتدرانه و آسانگیر قوی و همین رابطه با سبک مستبدانه و بی‌توجه در حد متوسط است. به عقیده بوریو تفاوت عمده در خانواده‌ها وجود زمان‌ها، فضاها، فرهنگی و فعالیت‌های مختلف خانواده است. به عبارت دیگر، مشغولیت‌های دائمی و روزمره خانواده غیر از کار روزانه بسیار مهم است. چون، هر نوع مشغولیت، فضای فرهنگی خاصی در زندگی به همراه دارد که در چگونگی فضای تربیتی حاکم بر خانواده تاثیر خواهد گذاشت. مادرانی که بیش‌تر وقت خود را به سبک هنری و فرهنگی می‌گذارند یقیناً دارای سبک زندگی خاصی هستند و زمان‌ها، مشغولیت‌ها، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوتی دارند که می‌تواند بر شیوه فرزندپروری آنها تأثیر بگذارد.

متغیری که ارتباط معنی‌دار و مثبتی با سبک فرزندپروری مقتدرانه دارد سبک زندگی ورزشی است (تایید فرضیه ششم). به عبارتی هر اندازه مادران در سبک زندگی خود به سبک‌های ورزشی بپردازند استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه بیش‌تر می‌شود. یکی از ابعاد سبک زندگی که بر فعالیت‌های زنان تاثیرگذار است، سبک‌های ورزشی است. با توجه به نظریه بورديو می‌توان گفت سبک ورزشی زنان یک کنش است که تحت تاثیر منابع مختلف یا همان سرمایه بوجود می‌آید (Turner:65, 1998). سبک‌های ورزشی افراد می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌ای خاص باشد که منجر به متمایز شدن افراد از دیگران شود. در واقع، یکی از کارکردهای سبک‌های ورزشی، تمایزبخشی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از بین چهار سبک فرزندپروری سبک مقتدرانه با سبک ورزشی مادران رابطه دارد. در واقع سبک‌های ورزشی تعیین‌کننده مناسبی برای سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه مادران است. در هر خانواده‌ای فضای خاصی و زمان‌های خاصی غالب است. مادرانی که بیش‌تر وقت خود را به سبک‌های ورزشی می‌پردازند وقت بیش‌تری برای کنترل و محبت فرزندان خود می‌گذارند و انعطاف پذیری و توجه بیش‌تری به فرزندان خود نشان می‌دهند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مادرانی که در سبک زندگی خود به ورزش، گوش دادن به موسیقی و به فعالیت‌های مذهبی می‌پردازند بهترین شیوه را برای تربیت فرزندان خود یعنی سبک فرزندپروری مقتدرانه را اعمال می‌کنند. با توجه به گرایش‌های شدید نسل نوجوان و جوان به موسیقی و عدم توجه والدین به علائق آنها و سرکوب کردن میل آنها می‌توان دریافت که توجه هشیارانه مادران به موسیقی مدرن و توجه به درخواست و نیاز نسل جدید مانع شکاف و اختلاف نسلی او با فرزندانش می‌شود و به هر دو بعد محبت و کنترل در سبک فرزندپروری دست می‌یابد. سبک‌های مذهبی مادران نیز باورها و جهت‌گیری‌هایی در زندگی آنها بوجود می‌آورد که مانع از اعمال بی‌توجهی مادران در برنامه زندگی فرزندان‌شان می‌شود. آنها برای فرزندان خود از برنامه آموزشی مطابق با دستورات دینی استفاده می‌کنند که انعطاف پذیری و محبت جزلاینگ آموزه‌های دینی در برخورد با فرزندان و کودکان است. بنابراین نظام ارزشی باید برنامه ریزی کند که جریان کسب روش‌های فرزندپروری با توجه به اشکال جدید سبک زندگی و نقش فعالیت‌های جدید مادران در جهان مدرن خارج از مسیر واقعی طی نشود و به جای اینکه مادران برای تربیت فرزندان بیش‌تر از سبک فرزندپروری بی‌توجه استفاده کنند با تأکید بر اهمیت شیوه‌های تربیتی، به والدین آگاهی داده شود که به همان اندازه که محبت برای تربیت موفق فرزندان لازم است کنترل نیز لازم است. و عدم کنترل و محبت کافی یعنی استفاده از سبک فرزند پروری بی‌توجه می‌تواند آثار سوی بر فرزندان داشته باشد. سبک‌های مذهبی، اینترنتی، مدرن موسیقی و ورزشی، تفاوت در سبک فرزندپروری را موجب شده است. بنابراین تهیه الگویی از سبک زندگی و فرزندپروری متناسب با شرایط جدید

جهانی شدن و آموزش آن به والدین از طریق مشاوره‌ها، رسانه‌ها و کتاب‌ها میتواند کمک شایانی به حل مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه کنونی ایران نماید.

References

- Abar, B, Kermitl, C. & A. Winsler (2009). "The effects of maternal parenting style and religious commitment on self - regulation, academic achievement, and risk behavior among African - American pare child college", *Journal of Adolescence*, Vol. 32, pp 259- 273.
- Abazari, Y. and A. Kazemi (2005). "Theoretical approaches to order: Frome sociology to cultural studies", *Nameh Allom Ejtemaei*, 25: 167-195.[In Persian].
- Aunola, K, Stattin, H.K & J. Nurmi (2000). "Internet parenting styles and the Impact on Internet of primary school children", *Journal of Adolescence*, 23(205 – 222).
- Bandura, A. (2003). "Role of affective self – regulatory efficacy in diverse sphere of psychosocial functioning", *Child Development*, 74(3): 769 - 789.
- Baumrind, D. (1971). "Current patterns of parental authority": *Developmental Psychology Monograph*, 4:1 – 8.
- Baumrind, D. (1966). "Effect of authoritative parental control on child behavior" , *Child Development*, 37(4): 887 – 907.
- Bennet, A. (2007). *Culture and Everyday Life*, Translated by. L. Joharafshani & H. Chavooshian, Tehran: Akhtaran Publication [In Persian].
- Bourdieu, P . (2001). *Action Theory: Practical Reasons*, Translated by M. Mardiha, Tehran: NaghshNegar Publication.[In Persian].
- Bourdieu, P. (1984), *Distinction*, London, London: Routledge & Kegan Paul.
- Burton, P, Phipps, S, P Curtis (2000). "All in the family: A simultaneous model of parenting style and child conduct", *The American Economic Review*, 92(2): 368 –373.
- Chaneg, D. (1996). *Life Styles*, London: Routledge.
- Ezazi, S. (1997). *Sociology of Family with an emphasis on the Role, Structure and Functioning of Family in Contemporary Era*, Tehran: Roshangaran Publication with Women Studies [In Persian].
- Fazeli, Mohammad. 2003. *Consumption and Lifestyle*, Qom: Sobeh Sadegh Publication [In Persian].
- Gwemende, K. (2006). *Impact of globalization on parenting in Buhera District*, University of Stellenbosch.

Giddens, A.(2003). The perspective of the family, Translated by Mohammad Reza Jalieipoor, Magazine of Aftab, The third year, Number 29, 54.

Giddens, A (1999). *Modernity and Self Identity: Self and Society in the late modern age*, Translated by N.Movafaghian, m Tehran: Nay Publication. (In Persian)

Giddens, A (1998). *The Consequences of Modernity* Translated by M.Salasy, Tehran: Markaz Publication. (In Persian)

Heiman, A., Just, D., Mcwilliams, B., D. Zilberman (2009) "Religiosity, life style and food consumption", *Giannini foundation of agricultural economic*, <http://www.agecon.ucdavis.edu/extension/update/articles/v8n2-4.pdf>. [Online. 2009].

Holt, C.L., Haire_Joshu. L. D., Lukwago, N. S., Lewellyn. A. I., W. M. Kreuter (2005). "The role of religious in dietary beliefs and behavior among American women" *Cancer Control*, <http://www.moffitt.org/moffittapps/ccj/v12s5/pdf/84.pdf>

Huver. M.E, R., Engels C.M.E, R., Vermulst, A & H. Vries(2007). Is parenting style a context for smoking-specific parenting practices?, *Journal Drug and Alcohol Dependence*, 89: 116-125.

Khajenoori, B., Ruhani, A. & S. Hashemi (2011). Lifestyle and body image, Case study: Shirazian women, *Iranian Journal of Cultural Research*, 4(1): 79-104 [In Persian].

Khajenoori, B. (2006). The effect of globalization on the division of labor, Case Study: Married women of Tehran, Shiraz and Istahban, *Journal of Social Science of Ferdowsi University of Mashhad*, 3(2): 1-24.

Kuhar, M. (2010). "Parenting Authority style in Adolescent-parenting Relationships", *Diskurs kindheits – and Jugend forschung Heft*, 3: 321 – 336.

Lin, N. (1978). *Foundations of Social research*, New York: McGraw Hill.

Maccoby, E.E & J. A. Martin (1893). *Socialization in the Context of the Family: Parent – Child Interaction*, New York: Wiley.

Maddahi, M.A., Liaghat, R., Samadzadeh, M. & I. Moradi (2011). Interaction of adaptive behavior and parenting style, *Journal of Health Psychology*, 1(1): 43-63 [In Persian].

Mahdavi, M.S. & H. ghanimati (2002). Childcracy, *Humanities Research Letter*, 35: 85-115 [In Persian].

Mirzaei, Hossein, Sadati, Ensyeh, Kardavani, Mahdi Akbarian (2011). "Examination into the Subculture of Iranian youth in content of PoP music poems". Quarterly periodical of Sociology of youth studies, The second year, The second number, 141-158.

Moedifar, S. & H. Sabouri Khosroshahi (2011). Parents and children conflict in the lifestyles, *Journal of Welfare and Social Development*, 7: 67-97 [In Persian].

Monadi, M. (2009, A.). Impact of parenting practices on youth social and cultural character, *Journal of Family & Research*, 2: 27-54 [In Persian].

Monadi, M. (2009, B.). Time management in a families of different economic, social and cultural class, *Journal of Family Research*, 2:161-177[In Persian].

Monadi, M. (2008). Socialization sources of Iranian youth, *Journal of youth Studies*, 15: 1-22[In Persian].

Monadi, M. (2007). Leisure and challenges of globalization, comparing two generations, *Cultural & Communication Studies*, 8: 131- 165 [In Persian].

Monadi, M. (2006). *Sociology of Family: Analysis routines, and environment within the family*, Tehran: Danzh Publication [In Persian].

Musavi, Seyed kamaloddin, Farshad, Jamali (2011). "Analyzing of the relationship between The using of the cell phone and School sociology with reliance on High school students in Koohdasht town in Lorestan", *Cultural-communicative studies*, The twelfth year, The fifteenth number, 77-117.

Pakserecht, S. (2006). Internet usage in leisure style Tehrani youth, *Cultural and Communications Studies*, 2: 52-87. [In Persian.]

Patrick, C.L, Jaseph, C & P. Leeson (2010). "Parental styles and religious values among teenagers: A 3 year perspective Analysis", *Journal Genetic psychology*, 171(1): 93 -99.

Quelhas Brito, P. (2008) Conceptualizing and illustrating the digital life style of youth, [http](http://). [Online 2009]

Roos, E., Karvonen, S. (2004) "Life styles, social background and eating pattern of 15-year - old boys and girls in Fland"; *Journal of Youth Studies*, 17(3): 331- 349.

Sajadi, M. (2003). Globalization and its challenging implications for education, *Journal of Educational Science and Psychology*, 2(3): 113-128 [In Persian].

- Saif, S. (1989). Family development theory, Tehran: Al.zahra University Publication [In Persian].
- Sarrafadegan, N., R. Kelishadi (2009) "Do life style interventions work in developing countries? Finding from the Isfahan healthy heart program in the Islamic Republic of Iran" *Bull Word Health Organ*, 87: 33-50.
- Tanhaei, A. & S, Khorami (2010). Sociological study of the relationship between religious beliefs and lifestyle theory and Goffman, Case study Kermansha in 2009, 6: 20-45 [In Persian].
- Tanhaei, A. & A. Shekarbigi (1999). Globalization, modernity and family in Iran (Transition or collapse), Collection of Sociology & Social sciences, 11: 33-56 [In Persian].
- Tiller, A. E. & Garrison, B. Benchea, B & E. Beth (2004). "The Influence of parenting styles on children's cognitive development", *Journal of Marriage and the Family*, 61: 881- 893.
- Tomlinson, J. (2002). *Globalization & Culture*, Translated by M. Hakimi, Tehran: Office of Cultural Research [In Persian].
- Tomlinson, M. (2003). Life style and social class, *European Sociological Review*, 19(1):97-111.
- Turner, J. (1998). *The structural of sociological theory*. Belmont, CA: Wades worth Publishinh company.
- Zervides, S & A Knowles (2007). Parenting styles and effect of culture, *Journal of Applied Psychology*, 3: PP. 65- 75.
- Zokaei, M.S. (2002). Subculture, lifestyle and identity, *Roshd e Ollom Ejtemaei*, Vol. 20-21 [In Persian].